

نقش خودکارآمدی و هوش هیجانی در پیش‌بینی حل تعارض زناشویی در زنان دانشجو

مسعود صالحی*^۱، محمدجواد اصغری ابراهیم‌آبادی^۲

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

salehimasood1986@gmail.com

۲. استادیار، گروه آموزشی روان‌شناسی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

mjasghari@gmail.com

تاریخ پذیرش: [۱۴۰۰/۶/۱۱]

تاریخ دریافت: [۱۴۰۰/۲/۱۶]

چکیده

عوامل متعددی بر رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند که از میان آنها می‌توان به خودکارآمدی و هوش هیجانی اشاره کرد. هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی حل تعارض براساس دو متغیر خودکارآمدی و هوش هیجانی است. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آمار شامل تمامی دانشجویان متأهل دانشگاه فردوسی مشهد بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۵۰ نفر از دو دانشکده ادبیات و الهیات انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه هوش هیجانی شرینگ، خودکارآمدی شرر و مقیاس تعارض زناشویی کنزاس بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و روش رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که هوش هیجانی ($Beta=۲۴/۶$) و هوش هیجانی به همراه خودکارآمدی ($Beta=۳۲/۵$) به صورت معناداری پیش‌بینی کننده حل تعارض هستند ($P<0/01$). با توجه به نتایج پژوهش هوش هیجانی و خودکارآمدی در میزان رضایت زناشویی زوجین نقش مهمی دارند و توجه به این مسئله می‌تواند به کاهش تعارض میان آنها کمک کند.

واژگان کلیدی: تعارض زناشویی، خودکارآمدی، هوش هیجانی.

۱- مقدمه

خانواده مهم‌ترین رکن جامعه به‌شمار می‌آید و دستیابی به جامعه سالم آشکارا در گرو سلامت روانی اعضای خانواده است. ازدواج به عنوان مهم‌ترین منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسانی، راهی برای رسیدن و ارضاء تمامی نیازها اعم از جسمی و روانی است. ازدواج صمیمی‌ترین نوع رابطه بشری است و داشتن ازدواجی رضایت‌بخش یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه است (یزدانی و پناه-علی، ۱۳۹۵). در واقع ازدواج با داشتن بافتی سرشار از هیجان، عاطفه و احساسات میان زوجین یکی از موقعیت‌های ویژه برای رشد استعدادها و گسترش ارتباطات جدید است که البته این وضعیت جدید ممکن است باعث بروز مشکلات خانوادگی و شخصی برای زوجین گردد (رسولی، ۱۳۹۵).

مشکلات خانوادگی، مجموعه رخدادها و حوادثی است که بر پیکره خانواده تأثیر می‌گذارد و به‌صورت تعارض، کاهش میزان خشنودی و سازگاری زوجین، عملکرد ضعیف خانواده و نهایتاً طلاق آشکار می‌شود (رسولی، ۱۳۹۵). از جمله مشکلاتی که بر عملکرد خانواده تأثیر می‌گذارد و باعث کاهش رضایت زناشویی می‌گردد تعارض زناشویی^۱ است که در مراحل مختلف زندگی به خاطر تصمیم‌های مشترک که زوجین باید بگیرند، بروز می‌کند و هنگامی رخ می‌دهد که رفتار یکی زوجین با توقعات زوج دیگر هماهنگ نباشد و غالباً شامل عیب جویی، طرد، درخواست ناروا، آزردهی و رنجش می‌شود (دربانی، فرخزاد و لطفی کاشانی، ۱۳۹۹). همچنین (Zhou & Buehler, 2019) تعارض زناشویی را اینگونه تعریف می‌کند: «وجود اختلاف، تعاملات تنش‌زا و خصمانه میان زن و شوهر و بی‌حرمتی و هتک حرمت که ممکن است با ناسزا گفتن همراه باشد». بر این اساس تعارض‌های زناشویی در ارتباط با هفت عامل رخ می‌دهند که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، روی آوردن به فرزندان برای کسب حمایت در مقابل همسر، کاهش رابطه خانوادگی با خانواده همسر و دوستان، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود و جدا کردن امور مالی از یکدیگر (نعمتی سوگلی تپه، محمدی‌فر و خالدیان، ۱۳۹۶). در واقع تعارض به‌عنوان فرایندی تعاملی با ناسازگاری و عدم توافق شناخته می‌شود و زمانی که اتفاق می‌افتد، ممکن است، باعث ضعیف‌تر یا قوی‌تر شدن روابط زوجین گردد زیرا سالم یا ناسالم بودن یک رابطه به مقدار تعارض بین زوجین، زیاد وابسته نیست بلکه به چگونگی توزیع و نحوه حل تعارض بستگی دارد (عینی، امینی، صفدریان و عبادی، ۱۳۹۹).

در این میان پژوهش‌های زیادی نشان داده که بین رضایت از زندگی و نحوه حل مشکلات و تعارضات با مشکلات روان‌شناختی رابطه وجود دارد به‌عنوان مثال بین آشفتگی‌های زناشویی^۲، اضطراب فراگیر^۳، فوبیا^۴ و حملات وحشت‌زدگی^۵ رابطه مثبتی وجود دارد (شکری و متینی یکتا، ۱۳۹۸). تعارض زناشویی ناشی از ناهماهنگی زن و شوهر در نوع نیازها و روش ارضای آن، خودمحوری، اختلاف در خواسته‌ها، طحوازه‌های رفتاری و رفتار غیر مسئولانه نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است (Glasser, 2000) به نقل از آقاییوسفی، فتحی آشتیانی، علی‌اکبری و ایمانی‌فر، ۱۳۹۵). وجود مشکلات مطرح شده نشان‌دهنده کمبود مهارت‌های ارتباطی در بین زوجین است، مهارت‌های ارتباطی به منزله آن دسته از توانایی‌ها است که بواسطه آنها افراد می‌توانند درگیر تعامل‌های بین فردی شوند یعنی فرایندی که افراد اطلاعات، افکار و احساسات خود و دیگران را از طریق مبادلات کلامی و غیر کلامی در میان می‌گذارند. در زمینه مهارت‌های ارتباطی دو عامل هوش هیجانی^۶ و خودکارآمدی^۷ تعیین‌کننده‌های مهمی هستند (یوسفی، ۱۳۸۵).

1 Conflict

2 Marital distress

3 Generalized Anxiety Disorder

4 Phobia

5 Panic attacks

6 Emotional intelligence

7 Self- Efficacy

بیشتر تعارض‌ها و اختلافات بین زوجین به دلیل برانگیختگی‌های عاطفی است. وی بر نقش هیجان‌ها در خانواده توجه نمود و اعضای خانواده را در برقراری ارتباط سالم و بیان هیجان‌ها و توجه به حالات چهره‌ای و غیرکلامی هیجان‌ها در خانواده را ترغیب می‌نمود (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۹۸۰). در واقع در ازدواج‌هایی که همسران با یکدیگر در تعارض و تضاد هستند، برانگیختگی هیجانی بالاتری وجود دارد. همچنین می‌توان بیان داشت که یکی از راه‌های برقراری ارتباط سالم، بیان هیجان‌ها و توجه به حالات هیجانی دیگران است، بطوری که والتینا، چینیر و آزوجی^۱ در سال ۲۰۲۱ بیان می‌کنند افرادی که توانایی شناخت و درک هیجان‌های خود را دارند و از تأثیر آن بر همسرشان آگاه هستند، در مهار و مدیریت هیجان‌های خود و همسرشان موفق‌ترند و از این نظر از رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند.

در حوزه روان‌شناسی، اصطلاح هوش هیجانی اولین بار توسط پین^۲ مطرح شد و گلمن^۳ آن را گسترش داد (میری، جلال‌منش و فشارکی، ۱۳۹۸). هوش هیجانی توانایی درک، توصیف، دریافت و مهار هیجان‌ها را در بر می‌گیرد و به صورت مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیرشناختی که بر توانایی شخص در کنار آمدن با مشکلات و فشارهای محیطی تأثیر می‌گذارد، تعریف می‌شود. افراد با هوش هیجانی بالا خود کنترلی و خودانگیزی بالایی دارند، زندگی آنها معنادار است و مسئولیت‌پذیر هستند آنها قادرند عواطف را به درستی ابراز کنند و تجارب جدید را بپذیرند (Bar-on, 2000 به نقل از یزدانی، پناه‌علی، ۱۳۹۵). بر همین اساس هوش هیجانی دارای چهاربعد است: ۱- خودآگاهی ۲- خودمدیریتی ۳- خودآگاهی اجتماعی و ۴- مدیریت روابط. گلمن هوش هیجانی را به عنوان ظرفیت بازشناسی احساسات خود و دیگران، برانگیختن خود و مدیریت صحیح هیجان‌ها در روابط مختلف با سایر افراد تعریف می‌کند (رهنما و عبدالملکی، ۱۳۸۸). سالوی و مایر^۴ معتقدند که هوش هیجانی (EQ) بیشتر از هوش بهره (IQ) پیش‌بینی‌کننده موفقیت فرد در زندگی است و افرادی که دارای کفایت هیجانی بالایی هستند مهارت‌های اجتماعی بهتر، روابط دراز مدت‌تر و توانایی بیشتر برای حل تعارض دارند (یزدانی و پناه‌علی، ۱۳۹۵). هوش هیجانی نوعی هوش اجتماعی است که با توانایی نظارت بر هیجان‌ها و دیگران و تشخیص آنها و استفاده از اطلاعات برای راهنمایی اعمال و تفکر خود تعریف می‌شود و مؤلفه‌های اصلی آن را شامل ادراک هیجانی (تشخیص درست هیجان‌ها در خود و دیگران)، تنظیم هیجانی (نظارت و تغییر شدت هیجان‌ها در خود و دیگران و حذف هیجان‌ها مخرب) و بهروزی هیجانی (فهم و استفاده از هیجان و اطلاعات هیجانی) بیان کردند. سالوی و مایر در سال ۲۰۰۸ بر اساس دیدگاه خود هوش هیجانی را به چهار شاخه تقسیم کرده‌اند، شاخه اول، احساس و بیان هیجانی؛ شاخه دوم، تسهیل تفکر بوسیله هیجان؛ شاخه سوم، فهم و ادراک هیجانی و شاخه چهارم، اداره و تنظیم هیجان در خود و دیگران است (رسولی، محمدی سیرت و حسینیان، ۱۳۹۹). اساسی‌ترین توانایی مؤثر در هوش هیجانی، دریافت و تشخیص عواطف دیگران و خود فرد است و افراد با داشتن هوش هیجانی بالا قادرند پردازش مناسبی از اطلاعاتی که بار هیجانی دارد انجام دهند که آنها را قادر می‌سازد فعالیت‌های شناختی مانند حل مسئله و تمرکز را بهتر انجام دهند (بیرامی، ۱۳۸۷).

هوش هیجانی در واقع نوعی هم‌دلی و واقف بودن به احساسات اطرافیان است و عاملی اساسی برای درک و حل تعارض در روابط صمیمی میان زوجین است زیرا با تنظیم و مدیریت هوشمندانه عواطف زوجین می‌تواند به کنترل زبان در هنگام خشم و ناراحتی و کنترل عواطف منفی، عصبانیت و اضطراب بپردازد و از شدت تعارض‌ها بکاهد و مشکلات خود را به نحوه مؤثرتری حل نمایند. نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد که زوج‌هایی که تعارضات زناشویی خود را با روش‌های مثبت و تعامل منفی کمتری مدیریت می‌کنند، جوی را ایجاد می‌کنند که در آن مشکلات خانوادگی تأثیر منفی کمتری بر روابطشان دارد (del Mar Sanchez-Fuentes,)

1 Valentina, Chinyere and Azuji

2 - Pien,

3 - Golman,

4 Salovey, Mayer & Caruso

(Santos-Iglesias & Sierra, 2014). شواهد هم‌چنین نشان می‌دهد که خودکارآمدی و عملکرد جنسی ضعیف با رضایت زناشویی پایین همراه است (Thomas, Hess & Thurston, 2015) بنابراین از دیگر مؤلفه‌های مهم در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش رضایت از زندگی، خودکارآمدی است. خودکارآمدی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های کسب موفقیت و سازش یافتگی در خانواده و جامعه است، بندورا^۱ در سال ۱۹۷۷ اولین بار مفهوم خودکارآمدی را مطرح ساخت و عنوان داشت که خودکارآمدی نقش مهمی در سازگاری روان‌شناختی، مشکلات روانی و سلامت جسمانی دارد. بندورا خودکارآمدی را احساس شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با زندگی تعریف کرد که برآورده کردن و حفظ معیارهای عملکرد باعث افزایش آن می‌شود (بهجانی‌زاده و سلیمی، ۱۳۹۹). هم‌چنین بندورا خودکارآمدی را بر میزان ادراک ما از درجه کنترلی که بر زندگی‌مان داریم، تعریف می‌کند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۹). خودکارآمدی بالا با مدیریت استرس، افزایش حرمت خود، بهزیستی روانی، شرایط جسمانی بهتر و سازگاری و بهبود بیماری‌ها مزمن ارتباط دارد. بندورا مطرح می‌کند که خودکارآمدی، توان سازنده‌ای است که بدان وسیله، مهارت‌های شناختی، اجتماعی، عاطفی و رفتاری انسان برای تحقق اهداف مختلف، به‌گونه‌ای اثربخش سازماندهی می‌شود. به نظر وی، داشتن دانش، مهارت‌ها و دستاوردهای قبلی افراد پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای عملکرد آینده‌ی افراد نیستند، بلکه باور انسان درباره توانایی‌های خود در انجام آنها بر چگونگی عملکرد خویشتن مؤثر است (شولتز و شولتز، ۱۳۹۹).

خودکارآمدی یک متغیر حیاتی و اساسی در یادگیری، عملکرد اجتماعی - شناختی، مهارت‌های حرکتی، انتخاب راهبردها و رفتار است. افراد دارای خودکارآمدی بالا از احساس شایستگی، انگیزش درونی، قدرت انتخاب و تعهد به اهداف و پشتکار در برابر تکالیف چالش‌انگیز برخوردار هستند. مادوکس^۲ (۲۰۰۲) معتقد است خودکارآمدی ادراکی است که فرد تصور می‌کند می‌تواند به‌طور موفقیت‌آمیزی رفتارهای لازم را برای ایجاد یک پیامد مطلوب و خوشایند انجام دهد و آن را در سه بعد مطرح کرده‌اند: ۱- میل به آغازگری رفتار ۲- میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکالیف و ۳- مقاومت در رؤیاری با موانع (نریمانی، رفیق ایرانی و ابوالقاسمی، ۱۳۸۸). نظریه خودکارآمدی بر این فرض استوار است که باور افراد در مورد توانایی‌ها و استعدادهایشان اثرات مطلوب بر اعمال آنها دارد. هم‌چنین خودکارآمدی پایین می‌تواند انگیزه‌ها را کم کند، آرزوها را از بین ببرد و در توانایی‌های شناختی افراد مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد و از این مسیر بر سلامت جسمی و روانی انسان تأثیر نامطلوب بگذارد (نجاتی، احدی، مسچی، صیرف و کراسکیان موجهباری، ۱۳۹۹). خودکارآمدی، قضاوتی شخص درباره توانایی‌های خود برای انجام یک فعالیت خاص است و روی میزان استقامت، تعهد و تلاش افراد برای دستیابی به هدف اثر می‌گذارد. این باورهای خودکارآمدی از طریق چهار منبع ایجاد و تقویت گردد. ۱) تجارب مسقیم شخص از موفقیت‌ها و شکست‌هایی است که در زندگی داشته است، ۲) تجارب جانشینی است که فرد از الگوهای اجتماعی کسب می‌کند، ۳) اقناع کلامی است که توسط تشویق‌های اشخاص دیگر صورت می‌گیرد و ۴) داوری توانایی‌های خود فرد است که به بوسیله حالات خلقی شکل می‌گیرد (بیک‌زاده، خدیوی، حسین پور سنبلی و محمد نژاد اصل، ۱۳۹۱). بر این اساس پژوهش حاضر قصد دارد تا نقش هوش هیجانی و خودکارآمدی را بر پیش‌بینی حل تعارض در زنان دانشجو را مورد مطالعه قرار دهد.

۲- مرور مبانی نظری و پیشینه

پارامسواری^۳ (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان داد مردانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند، همسرانشان رضایت بیشتری از زندگی دارند. علاوه بر این ماری و ادھیکاری^۴ (۲۰۱۲) در پژوهش خود نشان دادند که هوش هیجانی نقش پیش‌بینی‌کننده بالایی در رضایت

1 Bandura, A

2 Madux

3 Parameswari

4 Mary and Adhikari(2012)

زناشویی دارد. بخشایش (۱۳۹۳) در پژوهش خود که بر روی ۴۰۰ زوج اجرا کرد نشان داد هوش هیجانی در افزایش رضایت زناشویی مؤثر است. همچنین افخمی عقدا، عابدینی، ثروت، فیروزی اردکان و نیکوکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود که بر روی ۳۸۸ نفر اجرا شد، نشان دادند بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این بیرامی، باباپور خیر الدین، هاشمی نصرت آبادی، اسمعیلی، و بهادری خسروشاهی (۱۳۹۲) در پژوهش خود که بر روی ۱۲۰ زوج اجرا کردند، نشان دادند که بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد همچنین بین شیوه‌های حل تعارض و رضایت از زندگی رابطه معنادار و منفی وجود دارد. همچنین ضیاخدادادیان، سیرتی نیر، خمسه و عبادی (۱۳۹۱) در پژوهش خود نشان دادند به‌کارگیری روش‌های حل تعارض و مدیریت هوش هیجانی با افزایش رضایت از زندگی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. بنابراین یک ازدواج شاد و موفق به‌عنوان یک سپر در برابر پریشانی هیجانی و تجربه‌های منفی زندگی عمل می‌کند در حالی که یک ازدواج ناموفق بر سلامت جسمانی و روانی افراد اثر منفی دارد (محمدی‌مهر و آیت‌الله، ۲۰۱۷). سیلویا و کلویی، سیروس و جسیکا^۱ در سال ۲۰۱۳ در پژوهشی نشان دادند که خودکارآمدی همسران نقش مهمی در رضایت زناشویی و حمایت از همسر دارد. مریفیلد و گمبل^۲ در ۲۰۱۳ در پژوهش خود نشان دادند خودکارآمدی بالا با کیفیت زندگی و سازگاری زناشویی رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. همچنین نجفی‌زاده و تبریزی (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که هوش هیجانی و خودکارآمدی می‌تواند باعث افزایش سطح رضایت از ازدواج را در افراد شوند. همچنین قاسمی، رجیبی گیلان، رشادت، زکیی، زنگنه و سعیدی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند، خودکارآمدی بالا، نقش مهمی در سلامت روان و رضایت از زندگی در افراد متأهل دارد. علاوه بر این احدی، نریمانی، ابوالقاسمی و آسیایی (۱۳۸۸) در پژوهش خود نشان دادند که بین هوش هیجانی و خودکارآمدی با رضایت از زندگی رابطه معنادار مثبتی وجود دارد.

۳- روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی می‌باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان زن متأهل مشغول به تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشد که باتوجه به تعداد دانشکده‌ها و زنان در حال تحصیل با استفاده از روش نمونه-گیری خوشه‌ای دو دانشکده ادبیات و الهیات انتخاب شدند. سپس تعداد ۱۵۰ نفر خانم بین دامنه سنی ۱۹-۵۳ سال داوطلب شدند که میانگین سنی آنان ۲۵/۷۵ و انحراف استاندارد ۷/۰۶ بود. از این تعداد ۱۰۴ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۴۶ نفر دانشجوی مقطع ارشد بودند که دامنه زمان ازدواج آنها براساس ماه از ۱ ماه تا ۳۹۶ ماه، با میانگین مدت ازدواج ۵۵/۳۸ و انحراف استاندارد ۷۶/۷۷ می‌باشد. داده‌های بدست آمده از اجرای پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و با استفاده از آزمون همبستگی و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۳-۱- ابزارهای پژوهش

۱- پرسش‌نامه هوش هیجانی شرینگ: فرم اصلی پرسش‌نامه هوش هیجانی شرینگ^۳ در سال ۱۹۹۹ توسط سیبریا شرینگ تهیه شد، دارای ۷۰ عبارت و شامل دو قسمت بود. قسمت اول دارای ۴۰ عبارت و قسمت دوم شامل ۳۰ عبارت بود. سپس به دلیل اینکه قسمت دوم با فرهنگ ایرانی تطابق نداشت حذف گردید و از قسمت اول نیز ۷ عبارت حذف شد و در نهایت ۳۳ عبارت به‌کار برده شد. فرم ۳۳ سؤالی دارای چهار زیرمقیاس خوداندکیزگی (۷ عبارت)، خودآگاهی (۸ عبارت)، خودکنترلی (۷ عبارت)، هشجاری

1 Sylvia, Chloe, Cyrus & Jessica

2 Merrifield & Gamble

3 Cyberia- Shrink's emotional intelligence questionnaire

اجتماعی (۶ عبارت) و مهارت‌های اجتماعی (۵ عبارت) می‌باشد و با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت از ۵ تا ۱ نمره‌گذاری می‌گردد و نمره بالاتر نشان‌دهنده هوش هیجانی بیشتر است (صفاری‌نیا و سلگی، ۱۳۹۰). در پژوهش صفاری‌نیا و سلگی (۱۳۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۴ و برای زیر مقیاس‌ها بین ۰/۷۹ تا ۰/۸۶ به دست آمد، همچنین همسانی درونی در نمونه ایرانی ۰/۸۵ به دست آمده است.

۲- پرسش‌نامه خودکارآمدی عمومی شرر (SGSES): مقیاس خودکارآمدی شرر^۱ در سال ۱۹۸۲ توسط شرر و مادوکس ساخته شد که دارای ۱۷ عبارت است و سه جنبه از رفتار شامل میل به آغازگری رفتار، میل به گسترش تلاش برای کامل کردن تکالیف و رویارویی با موانع را اندازه‌گیری می‌کند. نمره‌گذاری به این صورت است که به هر ماده از یک تا پنج امتیاز داده می‌شود و نمره بیشتر بیانگر خودکارآمدی بالاتر است (Sherer & Maddux, 1982). در پژوهش اصغرنازاد و احمدی (۱۳۸۵) در نمونه ایرانی ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۸۳ به دست آمده است، همچنین ضریب آلفا برای عامل اول ۰/۷۶، برای عامل دوم ۰/۶۸ و برای عامل سوم ۰/۵۶ بدست آمده است. همبستگی بین این مقیاس و مقیاس منبع کنترل راتر ۰/۳۳- محاسبه شده است.

۳- مقیاس تعارض زناشویی کنزاس (KMCS): موگسلی و آگمن و آرچم^۲ در سال ۱۹۸۵ این مقیاس را به منظور سنجش میزان تعارضات زناشویی ساختند. مقیاس دارای ۲۷ عبارت است و از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل ۱۱ عبارت است و برنامه‌ریزی است، بخش دوم شامل ۵ عبارت است بحث و مجادله را در برمی‌گیرد و بخش سوم شامل ۱۱ عبارت است و مذاکره را می‌سنجد. نمره‌گذاری بر روی یک طیف لیکرت از ۱ تا ۵ انجام می‌شود و نمره بالا در کل سؤالات تعارض کمتر را نشان می‌دهد. ضریب آلفا برای مردان بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۵ و برای زنان بین ۰/۸۸ تا ۰/۹۵ است و همبستگی ناشی از روش بازآزمایی بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۶ بدست آمده است (Corocan & Fischer, 2000).

۳-۲- روش اجرا پژوهش

باتوجه به حجم بالا دانشجویان متأهل در دانشگاه فردوسی، پس از هماهنگی با حراست دانشگاه فردوسی، با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۱۵۰ دانشجو از دو دانشکده ادبیات و الهیات انتخاب گردیدند. در مرحله بعد به منظور رعایت نکات اخلاقی پژوهش، ابتدا توضیحی در مورد هدف پژوهش و محرمانه بودن اطلاعات شخصی بیان شد و رضایت شرکت‌کنندگان جلب شد و سپس پرسش‌نامه‌های هوش هیجانی شرینگ، خودکارآمدی شرر و تعارض زناشویی کنزاس توسط شرکت‌کنندگان تکمیل گردید و در نهایت داده‌های بدست آمده با نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و روش رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴- یافته‌ها

نتایج ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد که دامنه سنی ۱۵۰ خانم شرکت‌کننده بین ۱۹-۵۳ سال بود که میانگین سنی آنان ۲۵/۷۵ و انحراف استاندارد ۷/۰۶ بود. از این تعداد ۱۰۴ نفر دانشجوی مقطع کارشناسی و ۴۶ نفر دانشجوی مقطع ارشد بودند که دامنه زمان ازدواج آنها براساس ماه از ۱ ماه تا ۳۹۶ ماه، با میانگین مدت ازدواج ۵۵/۳۸ می‌باشد.

1 - Sherer General Sel -Efficacy Scale

2 - Moxley Eggeman, and Shumm,

جدول ۱: تحلیل واریانس کل

مدل	منبع تغییرات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنا داری
۱	رگرسیون	۱	۳۱۳۲/۸۱	۷۱/۵۱	۰/۰۰۰
	خطا	۱۴۸	۱۷۸/۸۰	-	-
	کل	۱۴۹	-	-	-
۲	رگرسیون	۲	۲۲۶۰/۷۵	۱۳/۲۵	۰/۰۰۰
	خطا	۱۴۸	۱۷۰/۵۶	-	-
	کل	۱۴۹	-	-	-

چنانچه در جدول ۱ مشخص است در تحلیل واریانس مدل‌ها، معنا دار هستند ($P < ۰/۰۰۰$ و $F_1, ۱۴۸ = ۷۱/۵۱$). همچنین مدل ۲ نیز معنا دار شده است ($F_2, ۱۴۷ = ۱۳/۲۵$ و $P < ۰/۰۰۰$). همچنین به منظور بررسی معنا داری بین متغیرهای هوش هیجانی و خودکارآمدی با حل تعارض از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده گردید و نتایج در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: رگرسیون حل تعارض براساس متغیرهای هوش هیجانی و خودکارآمدی

مدل	R	R	Adjusted R square	β	t	P
۱	۰/۳۲۵	۰/۱۰۶	۰/۱۰۰	-	-	-
هوش هیجانی	-	-	-	۰/۲۴۶	۴/۱۸	۰/۰۰۰
۲	۰/۳۹۱	۰/۱۵۳	۰/۱۴۱	-	-	-
هوش هیجانی	-	-	-	۰/۳۲۵	۳/۰۴	۰/۰۰۳
خودکارآمدی	-	-	-	-	-	-

مدل ۱: هوش هیجانی می‌تواند حل تعارض در زنان دانشجو را پیش‌بینی کند.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مدل ۱ قادر است با توجه به تعداد متغیرها و مشاهدات تا ۱۰ درصد موفقیت این مدل را تخمین بزند. همچنین این جدول نشان داد که هوش هیجانی به تنهایی قادر است تا ۲۴/۶ تأثیر بر متغیر ملاک (حل تعارض) را پیش‌بینی کند.

مدل ۲: هوش هیجانی و خودکارآمدی می‌توانند حل تعارض در زنان دانشجو را پیش‌بینی کنند.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که مدل ۲ قادر است با توجه به تعداد متغیرها و مشاهدات تا ۱۴/۱ موفقیت این مدل را تخمین بزند. همچنین نتایج این جدول نشان داد که هوش هیجانی به همراه خودکارآمدی قادر است تا ۳۲/۵ تأثیر بر متغیر ملاک (حل تعارض) را پیش‌بینی کنند ($P = ۰/۰۰۳$ و $t = ۳/۰۴$).

۵- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر به‌منظور بررسی نقش هوش هیجانی و خودکارآمدی در پیش‌بینی حل تعارض در زنان دانشجو بود. نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و خودکارآمدی با حل تعارض ارتباط معناداری وجود دارد و هوش هیجانی و خودکارآمدی می‌توانند حل تعارض را پیش‌بینی کنند. نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که هوش هیجانی به تنهایی تا ۲۴/۶٪ از تغییرات در متغیر حل تعارض را پیش‌بینی می‌کند. این یافته نشان می‌دهد که زنانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند بهتر قادرند تا مشکلات زناشویی خود را حل کنند. این یافته با نتایج پژوهش پارامسواری^۱ (۲۰۱۶)، افخمی عقدا و همکاران (۱۳۹۳)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۲) که نشان دادند هوش هیجانی دارای رابطه مثبتی با رضایت از زناشویی است و باعث کاهش مشکلات زناشویی و حل تعارضات می‌گردد هم‌خوان است. همچنین این یافته با تحقیق زند، جمهری و میرزایی (۱۳۸۷) که نشان دادند بین هوش هیجانی و سبک همکاری حل تعارض رابطه مستقیم و مثبتی وجود دارد نیز هم‌خوان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که افراد دارای هوش هیجانی بالا در متغیرهای مانند هم‌دلی، خودکنترلی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی و همچنین روابط محبت‌آمیز دارای نمرات بالاتری نسبت به افرادی هستند که هوش هیجانی بالایی ندارند. افرادی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند توانایی کنترل، تشخیص و استفاده از توانش‌های هیجانی را دارند و می‌توانند در مواجهه با رویدادهای و مسائل زناشویی با گسترش دامنه بینش و ایجاد نگرش مثبت درباره وقایع و استفاده از راهبردهای مناسب برای مقابله با مشکلات و افزایش سازگاری و رضایت زناشویی از شیوه‌های مؤثرتر حل تعارض استفاده کنند و از شدت مشکلات خود بکاهند. در واقع زنان باهوش هیجانی بالا دارای توانایی بیشتری در درک و فهم عواطف خود و همسرشان به هنگام بروز مشکل خانوادگی هستند که باعث می‌گردد با ارزیابی افکار و خلق و خو و تنظیم آنها خودآگاهی خود را بیشتر کنند، این خودآگاهی باعث می‌شود زنان در مهار و مدیریت هیجانات خود و همسرشان به هنگام یک یا چند مشکل تواناتر شوند و برای رفع و کاهش تعارض‌شان راه‌های مؤثرتر و رضایت‌بخش‌تری را به‌کار گیرند.

هم‌چنین نتایج رگرسیون نشان می‌دهد که هوش هیجانی به همراه خودکارآمدی تا ۳۲/۵٪ از تغییرات در حل تعارض را توجیه می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش احدی و همکاران (۱۳۸۸) که به بررسی هوش هیجانی، سبک اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی پرداختند هم‌خوان است. هم‌چنین نتایج این پژوهش با یافته‌های سیلیویا و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، ماریفیلد و گمبل^۳ (۲۰۱۳)، قاسمی و همکاران (۱۳۹۶) که نشان دادند بین خودکارآمدی و رضایت از زندگی رابطه معناداری وجود دارد هم‌خوان است. هم‌چنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های بیک‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) نیز هم‌خوان است. در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت زنان دارای خودکارآمدی بالا قادر هستند تا راه‌های بهتر و کارآمدتری به هنگام وقوع یک مشکل را به‌کار گیرند. در واقع خودکارآمدی نقش مهمی در احساس شایستگی، کفایت و قابلیت در کنار آمدن با مشکلات زندگی دارد. در واقع زنان دارای خودکارآمدی بالا احساس می‌کنند که دارای کنترل بیشتری بر موقعیت‌های زندگی‌شان هستند و قادر هستند تا به طریق بهتری بر مشکلات خود نائل شوند، این احساس باعث کاهش ناامیدی در آنان و افزایش تلاش برای کاهش تعارضات زناشویی‌شان می‌شود. در واقع زنانی که هوش هیجانی بالایی دارند، بهتر قادرند احساسات و هیجانات همسرانشان را به هنگام بروز تعارضی تشخیص دهند و با خودکارآمدی بالا قادرند تا رفتارها و روش‌های مؤثرتری برای کاهش مشکلات فی‌مابین به‌کار گیرند.

در نهایت می‌توان بیان داشت که زنان دارای هوش هیجانی بالا از مهارت‌های به هم پیوسته برای ادراک دقیق، ارزیابی و ابراز هیجان‌ها، دسترسی یا ایجاد احساسات به‌منظور تسهیل تفکر، توانایی فهم هیجان‌ها و دانش هیجانی و توانایی تنظیم هیجان‌ها به‌منظور رشد هیجانی و عقلانی بیشتری برخوردارند و با خودکارآمدی بالا نیز بر طرز تفکر افراد، چگونگی رویارویی با مشکلات، سلامت هیجانی،

1 Parameswari

2 Sylvia et al

3 Marrisfield and Gamble

تصمیم‌گیری، مقابله با استرس و افسردگی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه هر دو متغیر مجموعه‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌ها هستند که چه به صورت مجزا و چه با یکدیگر قادرند تا توانایی موفقیت فرد را در مقابله با فشارها و حل مشکلات را افزایش می‌دهند. بر این اساس هر دو متغیر با یکدیگر رابطه مستقیم دارند و قابلیت پیش‌بینی متغیر حل تعارض در روابط زناشویی را دارا هستند. نتایج این پژوهش و پژوهش‌های هم‌سو نشان داد که تعارضات زناشویی دارای ابعاد مختلفی است که بر نحوه حل تعارض اثر می‌گذارد و لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران بر روی مؤلفه‌های دیگری مانند بخشندگی، باورهای فراشناختی و تنظیم هیجان بر روی حل تعارض در زوجین اقدام کنند.

۶- تقدیر و تشکر

با تشکر از کلیه عوامل معاونت آموزش، حراست و دانشجویان دانشکده‌های ادبیات و الهیات دانشگاه فردوسی مشهد که در تهیه این مقاله همکاری صمیمانه داشتند.

۷- منابع

- ۱- احدی، ب.، نریمانی، م.، ابوالقاسمی، ع.، و آسیایی، م. (۱۳۸۸). بررسی ارتباط هوش هیجانی، سبک‌های اسناد و خودکارآمدی با رضایت از زندگی در زنان شاغل. *مجله مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۰(۱)، ۱۱۷-۱۲۷.
- ۲- اصغر نژاد، ط. و احمدی، م. (۱۳۸۵). مطالعه ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس خودکارآمدی شرر. *مجله روان‌شناسی*، ۳۹، ۱۹-۲۹.
- ۳- افخمی عقدا، م.، عابدینی، م.، ثروت، ف.، فیروزی اردکان، ع.، و نیکوکاران، ع. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش هیجانی با رضایت زناشویی در متأهلین شهر یزد. *طلوع بهداشت*، ۱۳(۴)، ۵۷-۶۵.
- ۴- آقاییوسفی، ع.، فتحی آشتیانی، ع.، علی اکبری، م.، و ایمانی فر، ح. (۱۳۹۵). اثربخشی رویکرد واقعیت درمانی مبتنی بر نظریه انتخاب بر تعارض‌های زناشویی، بهزیستی اجتماعی. *فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه*، ۷(۲)، ۱-۱۹.
- ۵- بخشایش، ع. (۱۳۹۳). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین. *زن و جامعه*، ۷(۲)، ۶۹-۸۴.
- ۶- بهجانی زاده، م.، و سلیمی، م. (۱۳۹۹). رابطه هوش چندگانه و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر مقطع ابتدایی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۳(۸۱)، ۱۳۶-۱۴۶.
- ۷- بیرامی، م. (۱۳۸۷). بررسی اثر بخشی آموزش هوش هیجانی بر ابراز وجود، خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۳(۱۱)، ۲۳-۳۹.
- ۸- بیرامی، م.، باباپور خیرالدین، ج.، هاشمی نصرت‌آبادی، ت.، اسمعیلی، ا.، و بهادری خسروشاهی، ج. (۱۳۹۲). پیش‌بینی رضایت مندی زناشویی براساس مؤلفه‌های هوش هیجانی و شیوه‌های حل تعارض. *مجله علمی-پژوهشی علوم پزشکی قزوین*، ۱۷(۳)، ۲۱-۲۸.
- ۹- بیک‌زاده، ج.، خدیوی، ا.، حسین پور سنبلی، ع.، محمد نژاد اصل، ر. (۱۳۹۱). رابطه هوش هیجانی مدیران با خودکارآمدی و سلامت روان آنان. *فصلنامه علوم تربیتی*، ۵(۱۹)، ۱۲۷-۱۴۱.
- ۱۰- دریانی، ع.، فرخزاد، پ.، و لطفی کاشانی، ف. (۱۳۹۹). اثربخشی خانواده درمانی راهبردی کوتاه مدت بر تعارض زناشویی. *خانواده درمانی کاربردی*، ۱(۱)، ۵۴-۶۸.
- ۱۱- رسولی، آ. (۱۳۹۵). تدوین الگوی بومی عملکرد خانواده براساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارض زناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره کرمانشاه. *فصلنامه زنان و جامعه*، ۷(۲۷): ۳۹-۶۰.

- ۱۲- رسولی، ر.، محمدی سیرت، ف.، و حسینیان، س. (۱۳۹۹). اثربخشی هوش هیجانی به روش قصه‌گویی بر کاهش کمروئی و ارتقاء هوش هیجانی دانش‌آموزان دختر. *تعلیم و تربیت*، ۱(۱۴۱)، ۱۵۳-۱۶۹.
- ۱۳- رهنما، ا.، و عبدالملکی، ج. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و اخلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانشجویان دانشگاه شاهد. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشگاه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، ۵(۲)، ۷۷-۵۵.
- ۱۴- زند، ف.، جمهوری، ف.، و میرزایی، ب. (۱۳۸۷). رابطه هوش هیجانی با انواع سبک‌های مدیریت تعارض. *مجله اندیشه و رفتار*، ۲(۸)، ۳۵-۴۵.
- ۱۵- شگری، ا.، و یکتایی، م. (۱۳۹۸). اثر بخشی برنامه بازآموزی اسنادی بر فرایندهای ارزشیابی شناختی، راهبردها حل تعارض و سازگاری زناشویی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۳)، ۴۰۹-۴۱۲.
- ۱۶- شولتز، د.، شولتز، س. (۱۳۹۹). *نظریه‌های شخصیت (ویراست دهم)*. ترجمه سیدمحمدی، ی. تهران، نشر ویرایش.
- ۱۷- صفاری نیا، م.، و سلگی، ز. (۱۳۹۰). بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسش‌نامه هوش اجتماعی در دانشجویان دانشگاه‌های استان کرمانشاه. *فصلنامه پژوهش روان‌شناسی اجتماعی*، ۱(۳)، ۲۲-۳۸.
- ۱۸- ضیاءخدادایان، م.، سیرتی نیر، م.، خمسه، ف.، و عبادی، ع. (۱۳۹۱). مقایسه تأثیر آموزش دو روش حل تعارض و مدیریت هوش هیجانی بر رضایت از زندگی همسران جانبازان اعصاب و روان. *طب جانبازان*، ۴(۱۵)، ۵۲-۶۱.
- ۱۹- عینی، س.، امینی، س.، صفدریان، ز.، و عبادی، م. (۱۳۹۹). مدل‌یابی علی تعارض زناشویی بر اساس پذیرش و عمل، باورها و اعتقادات زوجین، نقش میانجی، ذهن آگاهی. *روان‌شناسی خانواده*، ۷(۱)، ۹۳-۱۰۶.
- ۲۰- قاسمی، ا.، رجبی گیلان، ن.، رشادت، س.، زکی، ع.، زنگنه، ع.، و سعیدی، ش. (۱۳۹۶). بررسی رابطه حمایت اجتماعی و خودکارآمدی با سطح سلامت روان و رضایت از زندگی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۷(۱۴۷)، ۲۲۸-۲۳۹.
- ۲۱- گلدنبرگ، ا.، و گلدنبرگ، ه. (۱۹۸۰). *خانواده درمانی*. ترجمه حسین شاهی براوتی، ح؛ نقشبندی، س؛ ارجمند، ا. (۱۳۹۹). تهران، نشر روان.
- ۲۲- میری، ق.، جلال منش، ش.، فشارکی، م. (۱۳۹۸). تأثیر هوش هیجانی بر مهارت‌های ارتباطی دانشجویان پرستاری. *روان پرستاری*، ۱۷(۱)، ۲۵-۳۲.
- ۲۳- نجاتی، ا.، احدی، ح.، مسچی، ف.، صیرف، م.، و کراسیکان، آ. (۱۳۹۹). حس درد و رنج درازمدت ناشی از درد مزمن در بیماران مبتلا به روماتوئید آرتریت، نقش واسطه‌ای خودکارآمدی. *آموزش و بهداشت و ارتقاء سلامت*، ۸(۱)، ۲۲-۱۲.
- ۲۴- نریمانی، م.، رفیق ایرانی، س.، و ابوالقاسمی، ع. (۱۳۸۸). مقایسه اثر بخشی روش‌های ایمن سازی روانی میکندام و مهارت‌های مطالعه و ترکیبی از هر دو روش بر افزایش خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء*، ۵(۳)، ۱۱۱-۱۲۴.
- ۲۵- نعمتی سوگلی تپه، ف.، محمدی فر، م.، و خالدیان، م. (۱۳۹۶). تأثیر درمان شناختی- رفتاری بر تعارض زناشویی و سازگاری زناشویی افراد معتاد. *اعتیاد پژوهی سوء مصرف مواد*، ۱۱(۴۳)، ۱۸-۲۷.
- ۲۶- یزدانی، آ.، و پناه علی، ا. (۱۳۹۵). مقایسه هوش هیجانی زنان در آستانه طلاق و عادی شهرستان تبریز. *پژوهش‌های نوین*، ۱۰(۳۹)، ۲۵۷-۲۸۱.
- ۲۷- یوسفی، ف. (۱۳۸۵). رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های ارتباطی در دانشجویان. *فصلنامه روانشناسان ایرانی*، ۳(۹)، ۵-۱۳.
- 28- Corcoran, K. Fischer, J. (2000). *Measures for clinical practice: A sourcebook*, 1, New York: The Free Press
- 29- Del Mar Sanchez-Fuentes, M., Santos-Iglesia, P., and Siera, Juan. (2014). A systematic review of sexual satisfaction. *International Journal of Clinical and Health Psychology*. 14(1), 67-75.
- 30- Maddux, J. E. (2002). The power of believing you can. *Handbook of positive psychology*, 277-287.
- 31- Mary, T. M.J., Adhikari, K. (2012). Association between emotional intelligence and marital quality of married couples. *IJPSS*, 12(2), 222-236

- 32- Merrifield, K. A., Gamble, W. C. (2013). Associations Among Marital Qualities, Supportive and Undermining Coparenting, and Parenting Self-Efficacy. *Journal of Family Issues*, 34(4), 104- 124.
- 33- Mohammadimehr, Z., & Ayatollah K.B. (2017). The relationship between emotional intelligence, attachment styles and optimism with Maritals satisfaction. *Interdisciplinary Journal of Education*, 1(2), 50-58.
- 34- Najafi Zadeh, A.N. Tabrizi, A.M. (2014). Study of predicting marriage satisfaction based on emotional intelligence, spiritual intelligence and self-efficiency. *Asian J. Med. Pharm. Res.* 4(4): 160-166
- 35- Parameswari, J.(2016). Influence of emotional intelligence on marital adjustment of working and non-working married women. *International Journal of Multidisciplinary*, 3(1), 135-145
- 36- Sherer, M., Maddux, J. E., Mercandante, B., Prentice-Dunn, S., Jacobs, B., & Rogers, R. W. (1982). The self-efficacy scale: Construction and validation. *Psychological reports*, 51(2), 663-671.
- 37- Sylvia, Y. C. L., Chloe C. Y. ., Cyrus L. K. ., Jessica C. M. (2013). Fathering Self-Efficacy, Marital Satisfaction and Father Involvement in Hong Kong. *Journal of Child and Family Studies*, 22(8), 1051- 1060
- 38- Thomas, HN., Hess, R., and Thurston, R. (2015). Correlates of sexual activity and satisfaction in midlife and older women. *The Annals of Family Medicine*. 13(4), 336-342
- 39- Valentina, E. A., Chinyere, E. E., & Azuji, I. M. (2021). Emotional Intelligence as Correlate of Marital Satisfaction of Married Teachers in Public Secondary Schools in Anambra State. *World Journal of Innovative Research*. 10(4), 122-127.
- 40- Zhou, N., & Buehler, C. (2019). Marital hostility and early adolescents' adjustment: The role of cooperative marital conflict. *The Journal of Early Adolescence*, 39(1), 5-27.

The Role of Self-efficacy and Emotional Intelligence in Predicting Marital Conflict Resolution among Mashhad University Students

Masood Salehi¹, Mohammad Javad Asghari Ebrahim Abadi²

1. Master of Family Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)
salehimasood1986@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
mjasghari@gmail.com

Abstract

Several factors affect marital satisfaction, among which we can mention self-efficacy and emotional intelligence. This study aims to predict conflict resolution based on two variables of self-efficacy and emotional intelligence. This study was descriptive-correlational. The statistical population included all married students of the Ferdowsi University of Mashhad. Among them, 150 people from two faculties of literature and theology were selected using the cluster sampling method. Research tools included the Shering Emotional Intelligence Questionnaire (Saffari Nia & Selgi, 2011), Sherer Self-efficacy (Sherer & Maddox, 1982), and the Kansas Marital Conflict Scale (Corcoran & Fisher, 2000). Data were analyzed using SPSS software version 21 and stepwise regression. Findings show that emotional intelligence with (Beta=24.6) and self-efficacy with (Beta= 32.5) had significant effect on conflict resolution ($P < 0.01$). Based on this study, emotional intelligence with self-efficacy have an important role in marital satisfaction. So this information can help in reducing conflict between couples.

Keywords: marital conflict, self-efficacy, emotional intelligence.



This Journal is an open access Journal Licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License

(CC BY 4.0)